

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# چریان سیاست‌نامه‌نویسی در تاریخ اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران

(همبستگی اقتصاد و سیاست و اندیشه)

تألیف:

محمد رضا مرادی طادی



نشانی

۱۳۹۷

برنامه	: مرادی طذری، مادرضا	- ۱۳۹۷	: سرشناسه
عنوان	: جریان سیاست‌نامه‌نویسی در تاریخ اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران (همبستگی اقتصاد و سیاست و اندیشه) / تالیف مادرضا	: عنوان را نام پندار	
مترجم	: مرادی طذری		
تیران	: تبریز: نشر طلب	: مشخصات شعر	
من	: ۱۳۹۷	: مشخصات ظاهری	
کد	: ۲۲۲	: شابک	
ISBN	: 978-600-8127-53-6	: وضعیت فهرست نویسی	
لینک	: <a href="#">لینک</a>	: پذاشت	
کتابخانه	: اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران (همبستگی اقتصاد و سیاست و اندیشه)	: عنوان دیگر	
علوم سیاسی	: علم سیاسی - ایران - تاریخ	: موضوع	
Political science	: Political science - Iran - History	: موضوع	
اسلام و سیاست	: اسلام و سیاست - ایران - تاریخ	: موضوع	
Islam and politics	: Islam and politics - Iran - History	: موضوع	
طبقات اجتماعی	: طبقات اجتماعی - ایران - تاریخ	: موضوع	
Social classes	: Social classes - Iran - History	: موضوع	
۱۳۹۷ ۲۰۰۱۰۸۹۷۴A	: ۱۳۹۷ ۲۰۰۱۰۸۹۷۴A	: رده بندی کنگره	
۳۲۰۵۰۴۶۵	: ۳۲۰۵۰۴۶۵	: رده بندی ناشر	
۵۰۷۸۱۹۲	: ۵۰۷۸۱۹۲	: شماره کتابخانه ملی	



## جریان سیاست‌نامه‌نویسی در تاریخ اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران

(همبستگی اقتصاد و سیاست و اندیشه)

تألیف: محمد رضا مرادی طادری

صفحه آرایی: مهدی شکری

چاپ: مهارت

لیتوگرافی: صدف ۵۳۳-۰۵۳۰-۸۸۸۳۰

تیراژ: ۳۳۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۶-۵۳-۸۱۲۷-۶۰۰-۹۷۸

خیابان انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

# فهرست مطالب

۹.....	پیشگفتار: سخنی و سپاسی
۱۳.....	مقدمه: ساختار پژوهش
۱۵ .....	نگاهی به ادبیات تحقیق: پیشینه پژوهی
۲۵ .....	پرولماتیک تحقیق: نقشه راه
۲۹.....	فصل اول: نظریه و روش
۲۹ .....	۱- قاب نظری
۳۷ .....	۲- مساله روش
۴۱ .....	روشناسی خوانش متن
۴۲ .....	الگوی اشتراوس
۴۷ .....	اسکینر علیه اشتراوس
۵۳ .....	الگوی اسکینر
۵۹ .....	تاریخنگاری اندیشه
۷۵.....	فصل دوم: هنگامه تدوین
۷۵ .....	مقدمه: تحریر محل نزاع
۷۶ .....	سیاستنامه‌نویسی
۱۰۱.....	منابع تدوین متون سیاستنامه‌ای
۱۱۰ .....	تجانمه نویسی
۱۱۸.....	آین نامه نویسی
۱۲۲.....	رسالات در آین کشورداری
۱۲۸.....	نتیجه گیری

۱۲۹.....	فصل سوم: مبانی فکری اندیشه سیاسی جریان سیاست‌نامه‌نویسی
۱۲۹.....	مقدمه: تداوم ایران باطنی
۱۳۸.....	مانی فکری سیاست‌نامه‌نویسی
۱۳۹.....	فرآیزدی
۱۴۸.....	دروномایه فرآیزدی
۱۶۲.....	عدالت
۱۷۲.....	توأمانی دین و سیاست
۱۷۸.....	نظم امور (آشے)
۱۸۳.....	شاه آرمانی
۱۸۸.....	نتیجه‌گیری
۱۹۱.....	فصل چهارم: وجود اقتصادی سیاست‌نامه‌نویسی
۱۹۱.....	مقدمه: امکان یا امتناع اندیشه اقتصادی
۱۹۸.....	اقتصادیات
۲۰۱.....	ساخترهای معيشی سده‌های میانه
۲۱۰.....	اقتصاد در سیاست
۲۱۹.....	اندیشه اقتصادی
۲۲۱.....	عمارت
۲۲۵.....	خراب
۲۲۲.....	خزانه
۲۲۷.....	نتیجه‌گیری
۲۴۱.....	فصل پنجم: طبقات اجتماعی در ایران (واخر ساسانی و سده‌های نخستین)
۲۴۱.....	مقدمه
۲۴۳.....	طبقات اجتماعی در ایران ساسانی
۲۴۹.....	طبقات اجتماعی در سده‌های نخستین اسلامی
۲۵۳.....	انتقال میراث

---

## فهرست مطلب ۰ ۵

---

جغرافیای تاریخی سیاست‌نامه‌نویسی ..... ۲۵۶
هندسه سیاست: از قلمرو تجربه تا ساحتِ مفاهیم ..... ۲۶۰
نتیجه‌گیری: تعمیم نظری ..... ۲۷۱
<b>فصل ششم: الگوی حکمرانی در سیاست‌نامه‌نویسی ..... ۲۷۵</b>
مقدمه ..... ۲۷۵
حکومت ..... ۲۷۷
الگوی حکمرانی ..... ۲۸۰
سازمان حکومت و رویدهای حکمرانی ..... ۲۸۲
وزارت ..... ۲۹۲
نظام دیوان و دفتر ..... ۳۰۰
ارتش ..... ۳۰۸
نتیجه‌گیری ..... ۳۱۴
نتیجه‌گیری ..... ۳۱۷
منابع و مأخذ ..... ۳۲۷



دربىزگە داشت عشق و ايشلە، تقديم به همسرم:  
به پائى اىستادنىش در شب تىرىگە مرگە آن پاپىز خاك و خااستر  
كە سىلاپ بلاز آسمان قضا فرومە باريد

و

در خۇنیاخون حلاه، از بند بند پىچە تقدير روزىلۇ دد چىكە مى كرد.

موده: باید به سراسر ایران زمین پندلمه بفرستیم.  
زن: پندلمه بفرست ای موده، اما اندکه نان نیز بیفرتی. ما مردمان از پند سیر آمد هایم و بر نان  
گرسنه ایم.

مرگ یزد گرد، بهرام بیضایی

## پیشگفتاز:

### سخنی و سپاسی

تحقیق پیش رو تَبعی است در تاریخ اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران اسلامی؛ که خود را وقف واکاوی وجوهات مختلف بخش کوچکی از آن کرده است. پرسشی که تمام این تحقیق پیرامون آن شکل گرفته است از جهاتی بسیار ساده است: سیاستنامه‌نویسی؟ اما اگرچه در بدایت امر ساده می‌نماید ولی وقتی که کار آغاز می‌شود و محقق پای در اقیانوس متون و رساله‌ها و نظریات و عقاید می‌گذارد، به عینه می‌بیند که علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که در یک سده گذشته در حوزه تاریخ‌نگاری اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران و اسلام انجام شده است اما معهذا هنوز هم نقاط تاریک متعددی در این زمینه وجود دارد. لذا آن خوش‌بینی اولیه با محک واقعیت زائل می‌شود و پرسش آغازین سهل و ممتنع می‌نماید.

برای نمونه، محقق در فرایند تحقیق با پرسش‌هایی متعدد و متکثر روبرو می‌شود که در ادبیات موضوعی این حوزه - سیاستنامه پژوهی - عموماً، و حتی گاه ابداء، هیچ اشاره‌ای بدان‌ها نشده است و غالباً به تکراریات بستنده شده است. پرسش از خاستگاه اجتماعی سیاستنامه‌نویسی، طبقاتی که حاملان تاریخی آن بوده‌اند، ساختارهای اقتصادی‌ای که بر روند تولید، بازتولید، توقف یا زوال آنها موثر بوده‌اند، و شاید مهمترین نکته، چگونگی قرائت و فهم مفاهیم سیاستنامه‌ای و پویامندهای درونی آن. این اثر تلاشی است کوچک برای پاسخ دادن به چنین پرسش‌هایی و پرداختن به چنین دغدغه‌هایی.

در همین راستا، و برای پاسخ به آن پرسش‌ها و چنان دغدغه‌مندی‌هایی، پرسش از سرشناس سیاستنامه‌نویسی، در همبستگی سه مؤلفه اقتصاد و سیاست و اندیشه، و کشف منطق درونی سیاستنامه‌نویسی موضوع این پژوهش قرار گرفته است. در اینجا عبارت «کشف منطق درونی سیاستنامه‌نویسی» در تاریخ اندیشه سیاسی سده‌های میانه ایران اسلامی حائز اهمیت بسیار است چرا که عمدۀ ترین وجه افتراق این پژوهش با آثار استاد طباطبایی است. من بر خلاف ایشان از بنیان‌های ایرانشهری آغاز کرده‌ام اما سیاستنامه‌نویسی را نه بسان صرف تداوم آن سرچشمۀ فکری قلمداد نکرده‌ام، بلکه آن را در بستر مناسبات عینی و ساختارهای اقتصادی - اجتماعی - سیاسی سده‌های میانه و بر بنای منطق درونی تولید و بازتولیدشان تحلیل کرده‌ام.

طبق فرضیه تحقیق، سیاست‌نامه‌ها در همبستگی سه عامل پیش گفته، شکل گرفته‌اند. بنابراین از نظر ما، طبقات اجتماعی، الگوهای معیشتی مسلط در سده‌های میانه و اندیشه ایرانشهری (به عنوان سه متغیر مستقل)، زمینه‌ساز تولید و بازتولید - و شاید نهایتاً توقف و «زوال» - سیاست‌نامه‌نویسی (به عنوان متغیر وابسته) بوده‌اند.

فصل اول به تعیین قاب تحلیلی و تفسیری خودش پرداخته است و با مقایسه‌ای انتقادی میان دو روش خوانش متن و نگاهی به شیوه‌های فهم و روایت تاریخ، کوشیده است تا متناسب با موضوع و گستره کار این تحقیق قابی نظری - تحلیلی را تعریف کند.

فصل دوم به وجود یا عدم پدیده سیاست‌نامه‌نویسی در تاریخ پرداخته است. این فصل با تشکیک مشهور منکران علیه وجود سیاست‌نامه‌نویسی - و متعاقباً قاتلان به عدم وجود چیزی به نام «ایران» - آغاز می‌شود و می‌کوشد تا با داده‌پژوهی‌های بسیار و متعدد جریان سیاست‌نامه‌نویسی، گستره آن، حاملان اجتماعی اش و منابع فکری‌اش را نشان دهد.

فصل سوم به پنج مؤلفه بینای متن سیاست‌نامه‌ای، طیف معنایی‌شان، نحوه ارتباطشان با یکدیگر پرداخته و کوشیده است تا معیاری معرفت‌شناختی برای تشخیص و تعیین متن موسوم به سیاست‌نامه فراهم کند.

فصل چهارم به بررسی اندیشه اقتصادی دوره میانه، شیوه‌های معیشت، بازتاب مفهومی‌شان در متن سیاست‌نامه‌ای، و تحلیل وجود اقتصادی سیاست‌نامه‌ها پرداخته است و در همین زمینه توانسته زوایای جدیدی را بر روی سیاست‌نامه پژوهی بگشاید.

فصل پنجم، به طبقات اجتماعی، نقششان در تولید سیاست‌نامه‌ها، و تبعات روشی این رابطه برای بازتفسیرشان پرداخته است. در این فصل رابطه‌ای معنادار میان بستر اجتماعی و متن تولیدی برقرار شده است و به نظر می‌رسد که توانسته به گونه‌ای از جامعه‌شناسی متن دست یافته باشد. در نتیجه‌گیری این فصل نیز بر امکان‌های جدید در این حوزه تحقیقی تأکید شده است.

فصل ششم با تحلیل چهار رکن سازمان حکومت، و شیوه‌های اداره‌شان، به تشریح الگوی حکمرانی در متن جریان سیاست‌نامه‌نویسی پرداخته است. در این فصل تلاش شده است که نه تنها الگویی منسجم از سازمان حکمرانی ایرانشهری ارائه شود بلکه با ارجاعی به مبانی فکری اندیشه سیاسی ایرانشهری، بر انسجام منطقی این دسته متنون بیش از پیش تأیید و تأکید شده است.

در نهایت تحقیق با تعریف سیاست‌نامه‌نویسی و جریان آن، امکان‌های تعمیم داده‌ها، پیگیری برخی از فرضیه‌ها، و نسبت تحقیق با دیگر ادبیات پژوهشی این حوزه به نتیجه‌گیری رسیده است. همان‌گونه که در قسمت ساختار پژوهش، بخش ادبیات تحقیق، خواهد آمد، این اثر ضرورتاً

بایستی که کار را در ادامه آثار بزرگان این حوزه پیگیری می‌کرده است. از همین رو، اساس را بر کارهای سه بزرگ این عرصه - رزنیال، طباطبایی، فیرحی - قرار داده است و به ویژه بر آثار فوق العاده ارزشمند حضرت استاد دکتر سید جواد طباطبایی و دانشمند فهیم و دقیق النظر جناب دکتر فیرحی تکیه کرده است. بنا بر ماهیت کار این پژوهش مجبور بوده است و ناگزیر، که دائمًا با آثار این دو استاد گفتوگو کند، از آنها نقل قول آورد، و بعضاً به فراخور حال و بر اساس مقدمات و نتایجی که داشته است، بر آنها نقد و تعریضی بنویسد. چنین کاری گاه به اثر لحنی جدلی بخشیده است که فی الواقع جز اظهارِ لحیة شاگردی متوسط الحال در محضر اساتیدی بزرگ و بی نکرار بیش نیست.

دکتر طباطبایی یگانه بی نظری است که بر آستانه خطر ایستاده و با طرح پرسش از انحطاط ایران خواب رخوتناک هزاره‌ای را بر ما برآشته است، و ما را نسبت به آن چه که هستیم به تأمل و ادراسته است. هر انتقادی که به لحن و بیان، یا محتوا و روش آثارش داشته باشیم با این حال نمی‌توانیم بابت چنین مجاهدت عظیمی از او سپاسگزار نباشیم.

از سویی دیگر، علی‌رغم این که بخش قابل توجهی از این اثر صرف رد دیدگاه‌های دکتر داود فیرحی، در موضوع سیاست‌نامه‌نویسی شده است، اما بجاست تا نهایت دین خودم را به آثار ایشان و بهره‌ای که از آنها گرفته‌ام اعلام دارم. دکتر داود فیرحی بی‌تر دید در ایران امروز مَرجَ البحرين حوزه و دانشگاه است و انتظار می‌رود که پروژه فکری فقه و سیاست ایشان گشایشی را بر بن‌بست‌های اندیشه در ایران بگشاید. من نیز بسان هزاران دانشجوی دیگر خوش‌چین خرمن دانشش بوده‌ام و انتقاداتم بر آثار ایشان و استاد طباطبایی تنها بخشی آکادمیک و فرع بر ارادت شخصی‌ام به این حضرات است؛ چرا که گفته‌اند اگرچه استاد عزیز است اما حقیقت عزیزتر.

به جد بر این باورم که جز با ورود به عرصه گفتگوی انتقادی با متون و آثار نمی‌توان امیدی به تولید اندیشه در ایران داشت. اما متأسفانه روبه معمول و معهود فضای فکری ایران معاصر تاکنون چیزی جز نفی شخصیت به نام نقد اندیشه نبوده است. از همین رو، از آنجایی که زیان این اثر، و متأسفانه یا خوشبختانه جوهره این قلم، خوب یا بد، اندکی قاطع است شایسته دیدم که ضمن اعلام ارادت شاگرد به محضر اساتید خواننده را به این نکته التفات دهم که بحث صرفاً بر سر درست و نادرست تحقیقاتی آکادمیک است و لا غیر.

از آنجایی که این کتاب فی الواقع پایان‌نامه دکتری اینجانب در دانشگاه بهشتی برای اخذ درجه اجتهداد (که البته بدان نرسیده‌ام) در علم سیاست بوده است، لذا بر من فرض عین است تا از برای ادای دینی واجب، و نه از سر تعارفات معمول ایرانی، تقدیر و تشکر بی‌پایانم را خدمت دکتر

منصور میراحمدی که زحمت راهنمایی رساله را کشیدند، پیشکش کنم؛ هر چه در این رساله حُسن و خوبی است از آن او، و هر چه نقص و بدی است از آن من است.

دو دیگر، تشکر ویژه از دکتر حسینی زاده بابت مشاورت‌های ارزشمندشان، در مقام استاد مشاور، و مساعدت‌های بزرگوارانه‌شان، در مقام رئیس دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه بهشتی، و همچنین محبت‌های پدرانه و برادرانه‌شان، در مقام انسانی شریف، در حق این کمترین. سه دیگر، سپاس بیکران به پیشگاه دکتر رضا نجف زاده عزیز، دوست و استاد گرانقدرم که او نیز در مقام مشاوره، استادی و رفاقت را در حق من تمام کرد. همچنین از تمام اساتید دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه بهشتی بابت آن چه در محضرشان آموخته‌ام تشکر می‌کنم.

اما بیش از همه و پیش از همه بایستی از همسرم سپاسگزار باشم که در تمام این مدت در حالی در کنار من ماند که طوفان حادثه، در پاییز و حشتاک سال ۹۴، بر زندگی ما طوفید و آن را با خاک و خاکستر یکسان کرد. در دو سالی که مشغول فراهم کردن مقدمات نگارش این اثر و تدوین آن بودم بدترین حوادث عاطفی، مالی، روانی برای ما رخ داد و اگر مساعدت، پایمردی، و حمایت‌های همسرم نبود، بی‌تردید نه تنها این کتاب به خامه قلم در نمی آمد بلکه شاید زیستن نیز برای من در امتناعی محض قرار می‌گرفت.

محمد رضا مرادی طادی

۹۶ آذرماه